



راہپیمایی فعالان حقوق زنان به مناسبت روز جهانی زن در اسلام آباد، ۸ مارس ۲۰۲۱. (منبع)

## حقم را می خواهیم، پس هستیم!

### نابرابری جنسیتی در پاکستان و چالش های قانونی کنشگران

از زمان تاسیس پاکستان در سال ۱۹۴۷ تا کنون، زنان و دختران این کشور با مشکلات بسیاری روبرو بوده اند. از جمله: دسترسی نابرابر به آموزش، ازدواج اجباری، خشونت مبتنی بر جنسیت مانند قتل های ناموسی و هنجارهای فرهنگی بنا شده بر ایده «جای زن در خانه است». با وجود مقررات قانونی و تعهدات بین المللی ای که به صورت تئوریک از برابری جنسیتی حمایت می کند، زنان پاکستانی با موانع بی شماری برای اجرای عدالت از طریق قانون روبرو هستند. با این حال، این مشکلات مانع از سازمان دهی زنان برای مطالبه حقوق شان نشده است.

پس از اسلامی شدن قوانین پاکستان در دهه ۱۹۸۰ میلادی، هزاران زن به دلیل مزاحمت‌های جنسی، از جمله مورد تجاوز جنسی قرارگرفتن، زندانی می‌شدند. در واکنش به این موضوع، زنان در سراسر کشور برای به چالش کشیدن احکام دادگاه، افزایش آگاهی و قراردادن حقوق زنان در رأس برنامه‌های سیاسی پاکستان، بسیج شدند.

کشمکش‌ها - به ویژه با افزایش افراط‌گرایی مذهبی در دهه ۲۰۰۰ میلادی - شدت گرفت؛ هنگامی که طالبان کنترل شمال غرب کشور را به دست گرفتند، ملاله یوسف‌زی<sup>۱</sup> به دلیل عدم عقب‌نشینی از مطالبه حق تحصیل خود، حتی پس از این‌که هدف گلوله قرار گرفت، در سطح بین‌المللی شناخته شد. اکنون در حالی که همچنان مبارزه برای رسیدن به برابری کامل ادامه دارد، پیشرفت‌هایی که تاکنون حاصل شده، گواهی بر شجاعت و سرسختی زنان پاکستانی است.

### سال‌های آغازین پاکستان: از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۷

هنگامی که هند در سال ۱۹۴۷ استقلال خود را از بریتانیای کبیر به دست آورد، این سرزمین بر اساس اکثریت مذهبی در آن مناطق به دو کشور مستقل تقسیم شد؛ یکی هند (با اکثریت هندو) و دیگری پاکستان (با اکثریت مسلمان)؛ از جمله بنگلادش امروزی که بعدها و پس از جنگ آزادی بخش بنگلادش در سال ۱۹۷۱، استقلال خود را به دست آورد.<sup>۲</sup> محمدعلی جناح<sup>۳</sup> و محمد اقبال<sup>۴</sup>، بنیان‌گذاران پاکستان، برای مقابله با هنجارهای فرهنگی غالب که زنان را از مردان در حوزه‌های سیاسی، آموزشی و اجتماعی جدا می‌کرد، از مشارکت برابر زنان در زندگی اجتماعی حمایت کردند. جناح در سال ۱۹۴۴ اعلام کرد: «این جنایت علیه بشریت است که زنان ما در چهاردیوار خانه‌ها زندانی هستند. هیچ قانونی هیچ‌جا مویذ شرایط اسفناکی که زنان ما باید در آن زندگی کنند، وجود ندارد. شما باید با همسران‌تان به

۱- Malala Yousafzai

۲- «تاریخ پاکستان». کمیسیون عالی پاکستان-لندن.

۳- Muhammad Ali Jinnah

۴- Muhammad Iqbal

عنوان رفیق در همه عرصه‌های زندگی همراه شوید.»<sup>۵</sup>

در این دوران، مبارزات ملی‌گرایان برای رسیدن به استقلال، به زنان فضایی داد تا معیارهای هنجارهای سنتی را بشکنند. «آن‌ها توانستند حجاب را کنار بگذارند، با غریبه‌ها صحبت کنند، وارد سیاست شوند، راهپیمایی‌ها برپا کنند، شعار بدهند، پرچم‌ها را برافرازند و با خشونت پلیس رودررو شوند.»<sup>۶</sup>

همچنان‌که زنان نقش‌های قوی‌تری را در زندگی اجتماعی مطالبه کردند، بنیان‌گذاران پاکستان یک دموکراسی غیردینی و لیبرال را در ذهن‌شان پروراندند و حقوق زنان را کاملاً مطابق اصول اسلامی دانستند. بدین ترتیب، زمانی که این کشور تاسیس شد قوانین آن تفاوت مختصری بین حقوق مردان و حقوق زنان قائل شد.<sup>۷</sup> از سوی دیگر، پژوهشگران دینی - یعنی علما - دیدگاهی از یک دولت دینی را تبلیغ کردند که کاملاً ریشه در قوانین اسلامی داشت و در آن نقش زنان در زندگی اجتماعی به شدت محدود می‌شد.<sup>۸</sup>

در همین راستا، شعار سازمان اسلام‌گرای جماعت اسلامی (JI)<sup>۹</sup> که در سال ۱۹۴۱ تاسیس شد، این بود: «کشور از آن خداست، قانون باید بر اساس حکم خدا باشد، حکومت باید از آن مردان پرهیزگار خدا باشد.»<sup>۱۰</sup>

علی‌رغم نقشی که زنان در بسیج افراد برای رسیدن به استقلال ایفا کردند، هنگامی که این هدف به دست آمد، آن‌ها «به بهانه این‌که نقش زنان باید در حوزه خانگی باشد، به خانه‌های خود بازگردانده شدند».<sup>۱۱</sup> با این وجود، در حالی که در آن زمان هیچ جنبش سازمان‌یافته

۵- خاور ممتاز و فریده شهید. «زنان پاکستان: دو گام به جلو، یک قدم به عقب؟». Press Bath The. ۱۹۸۷. ص ۷.

۶- روینا سایگول. «فمینیسم و جنبش زنان در پاکستان: فعالان، مباحث و استراتژی‌ها». Stiftung Ebert Friedrich. ۲۰۱۶. ص ۸.

۷- آیتا ویس. «حرکت به جلو با توانمندسازی قانونی زنان در پاکستان». گزارش ویژه ۳۰۵ موسسه صلح ایالات متحده. مه ۲۰۲۱. ص ۳.

۸- ممتاز و شهید. همان، صص ۸-۹.

۹- Jamaat-e-Islami (JI).

۱۰- عایشه خان. «جنبش زنان در پاکستان: کشمگری، اسلام و دموکراسی». Tauris. B.I. ۲۰۲۰. ص ۲۱.

۱۱- لینا خان. ز. «انجمن کشمکش زنان (WAF) - کشمگری و سیاست زنان در پاکستان». نامه‌های موسسه امور جاری جهان (ICWA) - جنوب آسیا، ۲۰۰۱. ص ۴.

و منسجمی برای زنان وجود نداشت، زنان همچنان به کارهای امدادی و رفاهی، به‌ویژه برای پناهندگان، مشغول بودند.<sup>۱۲</sup> انجمن زنان سراسر پاکستان (APWA)<sup>۱۳</sup>، علاوه بر افتتاح مدارس دخترانه و کمک به زنان برای کسب درآمد از طریق یادگیری خیاطی و مهارت‌های دیگر، حقوق سیاسی زنان را به صورتی محتاطانه، که رویکردی تقابلی با دولت نداشته باشد، ارتقا داد.<sup>۱۴</sup> همچنین پس از تظاهرات و اعتراضات گسترده، قانون فردی مسلمانان - یا شریعت - مصوب ۱۹۴۸، حق زنان برای ارث‌بردن دارایی را به رسمیت شناخت.<sup>۱۵</sup>

طی یک دهه بعد، پاکستان به عضویت «کنوانسیون حقوق سیاسی زنان» و «کنوانسیون رضایت ازدواج سازمان ملل متحد»<sup>۱۶</sup> در آمد؛ امری که در سال ۱۹۶۱ باعث تصویب قانونی شد که محدودیت‌های اندکی برای چندهمسری و تدابیری را برای زنان در حوزه طلاق، ایجاد کرد.<sup>۱۷</sup>

در سال ۱۹۷۳ قانون اساسی پاکستان، برابری شهروندان در برابر قانون را وضع و تبعیض بر اساس جنسیت را ممنوع اعلام کرد. با این حال، قانون اساسی تحت تاثیر نفوذ فزاینده پیشگامان اسلامگرا مانند جماعت اسلامی، اسلام را دین دولتی اعلام کرد، مسلمان بودن نامزدهای ریاست جمهوری و نخست‌وزیری را الزامی و انطباق قوانین با قرآن و سنت را اجباری کرد. به گفته حنا جیلانی، وکیل و کنشگر: «تمام چیزی که دولت توانست فکر کند تا خود را یک قدم جلوتر از جماعت اسلامی و دیگر نیروهای واپس‌گرای اسلامی نگه دارد، این بود که برای غلبه بر آن‌ها باید اسلامی‌تر باشد. رنج زنان از این مرحله به بعد شروع شد.»<sup>۱۸</sup>

۱۲- سایگول، ص ۹.

۱۳- All Pakistan Women's Association (APWA).

۱۴- همان منبع، ص ۱۰.

۱۵- همان منبع، ص ۸.

۱۶- Marriage to Consent the on Convention UN

۱۷- ویس، همان منبع، ص ۴.

۱۸- عایشه خان، همان منبع، ص ۲۳.



در سال ۱۹۷۳ قانون اساسی پاکستان، تبعیض بر اساس جنسیت را ممنوع اعلام کرد. (منبع)

### اسلامی سازی کشور تحت دیکتاتوری نظامی ضیاء

این روند اسلامی سازی پس از به قدرت رسیدن ژنرال محمد ضیاء الحق<sup>۱۹</sup> در کودتای سال ۱۹۷۷ و اتحاد با جماعت اسلامی، به اوج خود رسید. به گفته فعالان حقوق زنان، «ارتش با در دست گرفتن قدرتی بدون اعتبار، به دنبال وسیله ای برای توجیه و طولانی کردن حکمرانی خود بود و بهانه عالی را در اسلام یافت»<sup>۲۰</sup>.

ضیاء در طول ۱۱ سال دیکتاتوری خود، تحت تاثیر مکتب تندرو وهابی، تغییرات حقوقی، سیاسی و اجتماعی گسترده ای را ایجاد کرد. صندوق جدید زکات دولتی، مسلمانان را ملزم می کرد که درصدی از درآمد خود را به عنوان هدیه مالی برای فقرا بپردازند؛ الزامی مذهبی که معمولاً به صورت فردی و بدون دستور دولت انجام می شود. برای همه پاکستانی ها، حتی

۱۹- General Muhammad Zia-ul-Haq

۲۰- ممتاز و شهید، ص ۱۶.

غیرمسلمانان، نوشیدن مشروبات الکلی ممنوع اعلام شد و پلیس برای اجرای این امر به خانه‌ها یورش می‌برد؛ البته از این موضوع اغلب به عنوان وسیله‌ای برای آزار و اذیت مخالفان رژیم استفاده می‌شد.<sup>۲۱</sup>

در همین حال، دیکتاتوری نظامی ضیاء همه احزاب سیاسی را منحل و ممنوع کرد، سانسور مطبوعاتی کامل را برقرار کرد، حق کارگران برای اعتصاب را لغو کرد و دستگیری‌های دسته‌جمعی کارگران و روزنامه‌نگاران احزاب سیاسی را در کنار اجرای مجازات شلاق برای کسانی که در فعالیت‌های سیاسی ممنوعه شرکت داشتند، آغاز کرد.<sup>۲۲</sup>

کنترل بر زنان، که «نشانگر اخلاق ملی» تلقی می‌شد، عنصر کلیدی این برنامه اسلامی‌سازی بود.<sup>۲۳</sup> کمپینی دولتی علیه بی‌عفتی، نمایش زنان را در تبلیغات تلویزیونی محدود کرد، زنان از حضور به عنوان تماشاگر در مسابقات ورزشی محروم و ملزم به پوشیدن چادر در ادارات دولتی، تلویزیون و مدارس دولتی شدند. یک کمپین رسانه‌ای نیز راه افتاد که اجرای متعصبانه قانون پوشش سنتی برای زنان را تشویق می‌کرد؛ امری که منجر به افزایش آزار عمومی و حتی خشونت علیه زنان شد.<sup>۲۴</sup> در همین زمان، ساختار حقوقی جدیدی از اسلامی‌سازی مطرح شد؛ از جمله احکام حدود در سال ۱۹۷۹، قانون ادله در سال ۱۹۸۴ - که ارزش شهادت زنان در برخی امور را نصف شهادت مردان تعیین کرد - و همچنین احکام قصاص و دیات. این قوانین در طول سه دهه بعدی، پیامدهای گسترده‌ای برای زنان در برداشت.

احکام حدود بر اساس قرآن و سنت مجازات‌هایی را برای جرائمی از جمله «زنا» (تخلفات جنسی از جمله زنا، فحشا و تجاوز جنسی) مقرر کرد. حالا دیگر رابطه جنسی خارج از ازدواج قانونی، یک جرم کیفری محسوب می‌شد. در مورد زنا، محصنه حداکثر مجازات (یعنی حد مفرد و جمع حدود) سنگسار در ملاء عام (در صورت مشاهده عمل توسط چهار مرد مسلمان عادل) به همراه مجازات (تعزیری) چهار تا ده سال حبس، ۳۰ ضربه شلاق و جریمه نقدی در نظر گرفته شد. برای رابطه جنسی ساده خارج از ازدواج، مجازات بین ۳۰

۲۱- عایشه خان، ص ۵۶.

۲۲- همان منبع، ص ۵۸.

۲۳- همان منبع، ص ۱۲۹.

۲۴- همان منبع، صص ۵۸-۵۹.

تا ۱۰۰ ضربه شلاق تعیین شد. این مجازات در مورد تجاوز جنسی - که معادل رابطه جنسی توافقی خارج از ازدواج تلقی می‌شد - نیز صادق بود. در واقع، اگر زنی گزارش می‌کرد که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است اما نمی‌توانست آن را ثابت کند، خود همین گزارش، به عنوان اعتراف به انجام عمل زنا محسوب می‌شد و بدین ترتیب او می‌توانست به آن جرم متهم شود. علاوه بر این، هر کسی از جمله یک شوهر یا برادر خشمگین، می‌توانست زنی را به زنا متهم کند و باعث دستگیری و حبس او شود - احتمالاً سال‌ها حبس؛ چون برای این جرم، ارائه وثیقه برای آزادی موقت، پذیرفته نمی‌شد - تا زمانی که زن می‌توانست بی‌گناهی خود را در دادگاه ثابت کند. در نهایت نیز اگر این دست‌زنان تبرئه می‌شدند - اغلب در دادگاه تجدید نظر عالی و پس از گذراندن محکومیت در سطوح پایین‌تر -، تا آن زمان سال‌های بسیاری را در زندان گذرانده بودند و دیگر عملاً به یک مطرود اجتماعی تبدیل شده بودند.<sup>۲۵</sup> هزاران زن به خاطر زنا دستگیر شدند؛ جرمی که شایع‌ترین دلیل زندانی شدن زنان در دهه ۲۰۰۰ بود.<sup>۲۶</sup>

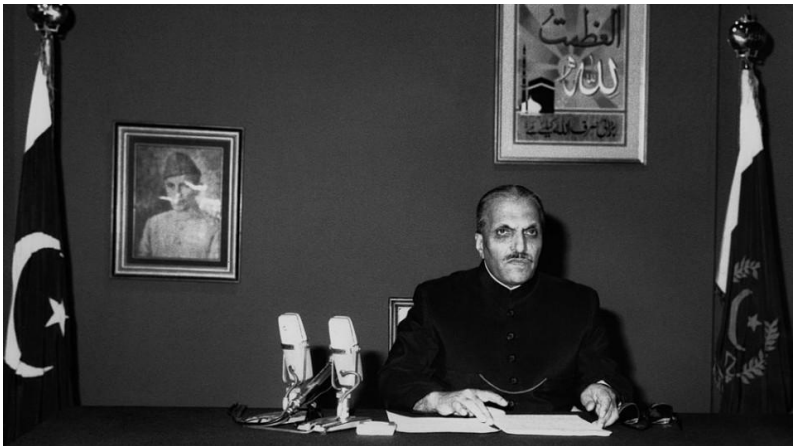
احکام قصاص و دیه اساساً مجازات قتل نفس را از حالت عمومی به حالت خصوصی در آورد و به قربانیان یا خانواده‌های آن‌ها اجازه داد که به جای حکومت، عدالت را تعیین کنند. به عنوان مثال، وارثان مقتول می‌توانستند یا پول خون (دیه) یا مجازات متقابل - یعنی قصاص، مانند مجازات چشم در برابر چشم - را انتخاب کنند.

مفاد احکام منجر به این شد که مجرمان ثروتمند بتوانند راه فرار خود از عدالت را بخرند، مرتکبین «قتل‌های ناموسی» بتوانند خارج از دادگاه موضوع را حل و فصل کنند و مردانی که همسران خود را به قتل رسانده بودند، بتوانند به جای محکومیت در دادگاه یا محکوم شدن به اعدام، دیه بپردازند. در نتیجه، یک مطالعه نشان داد که بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰ در ده ناحیه پنجاب، میزان قتل افزایش یافته بود، میزان بسته شدن پرونده‌های بدون تحقیق توسط پلیس دوبرابر شده و میزان محکومیت‌ها در دادگاه کاهش یافته بود.<sup>۲۷</sup>

۲۵- مارتین لائو. «بیست و پنج سال احکام حدود- یک بازنگری». بازنگری قانون واشنگتن و لی ۶۴:۴، ۲۰۰۷. ص ۱۲۹۶.

۲۶- عایشه خان، همان منبع، صص ۲۲-۲۳.

۲۷- همان منبع، ص ۷۱.



ژنرال محمد ضیاء الحق که با به قدرت رسیدن در سال ۱۹۷۷، اسلامی سازی در پاکستان به اوج رسید (منبع)

### بسیج زنان در دوران حکومت ضیاء

در سال ۱۹۸۱، پرونده زنانی فهمیده<sup>۲۸</sup> و الله بخش<sup>۲۹</sup>، الهام بخش گروهی متشکل از ۳۰ زن پاکستانی - فمینیست، روزنامه نگار، فعالان سیاسی چپ‌گرا و اعضای انجمن زنان سراسر پاکستان (APWA) - شد تا «انجمن کنش زنان»<sup>۳۰</sup> (WAF) را تاسیس کنند. برخلاف سازمان‌های قبلی زنان، مانند انجمن زنان سراسر پاکستان، که رفاه محور و طرفدار تشکیلات بودند، انجمن کنش زنان رویکرد سیاسی جسورانه‌ای را در پیش گرفت که نه تنها مستقیماً دولت را به چالش می‌کشید، بلکه از یک دولت غیردینی و سکولار نیز حمایت می‌کرد.<sup>۳۱</sup>

در سال ۱۹۸۰، فهمیده ۱۸ ساله از خانواده‌ای با طبقه متوسط رو به پایین، عاشق راننده اتوبوس مدرسه‌اش، الله بخش، شد و از خانه فرار کرد تا با میل خود با او ازدواج کند. والدین

۲۸ - Fehmida

۲۹ - Bux Allah

۳۰ - Women's Action Forum (WAF)

۳۱ - همان منبع، ص ۷۷



خشمگین فهمیده برای این‌که او را مجبور به بازگشت به خانه کنند، گزارش آدم‌ربایی به پلیس دادند. بر اساس احکام حدود، این ازدواج به دلیل یک اشکال فنی (این‌که قرارداد ازدواج معتبر بود اما ثبت نشده بود) نامعتبر بود؛ این به این معنی بود که این زوج «در وضعیت گناه‌آلودی زندگی می‌کنند». سرانجام در سال ۱۹۸۱، فهمیده به ۱۰۰ ضربه شلاق و شوهرش به سنگسار محکوم شد.<sup>۳۲</sup>

انیس هارون<sup>۳۳</sup>، از بنیان‌گذاران انجمن کنش زنان، در این باره می‌گوید: «دولت می‌خواست با این کار، پیامی بفرستد و از این زوج درس عبرتی ساخت که اگر زن یا مردی، به انتخاب فقط خودشان با کسی ازدواج کنند، چه عواقبی در انتظارشان است.»<sup>۳۴</sup>

این اتفاق زنگ خطری برای بسیاری از زنان طبقه متوسط و بالا بود. با توجه به این‌که در رژیم‌های قبلی پیشرفت‌های فزاینده‌ای درباره حقوق زنان حاصل شده بود، این زنان به این باور رسیده بودند که ادامه پیشرفت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. اما اکنون آن‌ها متوجه شده بودند که تمام حقوق‌شان در خطر است و باید اقدامی بکنند.

انجمن کنش زنان، یک کمپین جمع‌آوری امضا راه‌اندازی کرد که طی آن خواستار حمایت قانونی از زنان و لغو احکام تبعیض‌آمیز شد؛ با حضور رعنا لیاقت علی خان<sup>۳۵</sup>، فعال پیشگام حقوق زنان، در صدر لیست امضاها، انجمن کنش زنان مشروعیت یافت و این به آن‌ها کمک کرد که در مجموع ۱۰ هزار امضا جمع‌آوری کنند.<sup>۳۶</sup>

۳۲- لینا خان، ص ۶.

۳۳- Anis Haroon.

۳۴- همان منبع.

۳۵- Ra'ana Liaquat Ali Khan.

۳۶- بورکی، شیرین. «سیاست مداخله دولت: سیاست جنسیتی در پاکستان، افغانستان و ایران». Books Lexington، ۲۰۱۳. ص ۶۰.



راہپیمایی انجمن کنش زنان (WAF): لاهور، فوریه ۱۹۸۳. (منبع)

انجمن کنش زنان با افراد موثر در تصمیم‌گیری‌ها گفت‌وگو کرد، مقالاتی برای مطبوعات نوشت و سمینارهایی با کارشناسان برگزار کرد تا درباره صحت اسلامی بودن قوانین تبعیض‌آمیز بحث کنند. در سال ۱۹۸۳، انجمن کنش زنان یک راهپیمایی متشکل از ۳۰۰ زن در لاهور و برای اعتراض به قانون ادله، ترتیب داد. در واکنش به این راهپیمایی، افسران پلیس با تعداد تقریبی دوبرابر زنان حاضر، با شلیک گاز اشک‌آور، فعالان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و دستگیر کردند؛ اتفاقی که با پوشش رسانه‌ای گسترده باعث شرمساری رژیم شد. این اقدامات باعث افزایش آگاهی درباره نابرابری و همچنین موجب آغاز بحث‌های گسترده عمومی در زمینه این موضوعات شد. علاوه بر این، انجمن کنش زنان به حمایت از زنانی پرداخت که از طریق روند استیناف دادگاه عالی در حال مبارزه با حکم‌های صادره بر اساس قوانین حدود بودند. این کمک بسیار ارزشمندی بود؛ به این دلیل که تقریباً همه زنان محکوم‌شده تحت قوانین حدود، فاقد تمکن مالی برای به چالش کشیدن مجازات خود

بودند.<sup>۳۷</sup>

در یک مورد برجسته، صفیه بی بی<sup>۳۸</sup> ۱۸ ساله که تقریباً نابینا بود، مورد تجاوز کارفرمای خود و پسر او قرار گرفت. پس از این که صفیه نوزادی به دنیا آورد که بعد از مدت کوتاهی مرد، پدر صفیه پرونده تجاوز به عنف را تشکیل داد، در حالی که متوجه نبود که حاملگی صفیه، خود او را در معرض اتهام زنا قرار می‌دهد. در سال ۱۹۵۸ صفیه به ۱۵ ضربه شلاق، سه سال زندان و جریمه نقدی محکوم شد. انجمن کنش زنان با همکاری تشکل‌های زنان درخواست تجدیدنظر قانونی برای این پرونده داد و برای جلب توجه بین‌المللی با دعوت از گروه‌های جهانی زنان برای گفت‌وگو در مورد صفیه فعالیت‌هایی را انجام داد که در نهایت منجر به تبرئه صفیه در دادگاه عالی شریعت شد.

در همین زمان، سایر گروه‌های زنان وارد عمل شدند. سازمان «تحریک نسوان» از هنر برای جلب توجه مخاطبان بیش‌تر استفاده کرد؛ تئاترهای عمومی یا نمایش‌های رقص کوچکی اجرا می‌شد و سپس بین بازیگران و تماشاگران در مورد مسائل زنان بحث و تبادل نظر درمی‌گرفت.<sup>۳۹</sup>

عاصمه جهانگیر<sup>۴۰</sup> و حنا جیلانی<sup>۴۱</sup>، وکلای دادگستری، اولین شرکت حقوقی کاملاً زنانه پاکستان (AGHS) را به منظور ارائه کمک‌های حقوقی رایگان به زنان، اقلیت‌های مذهبی و هر کسی که حقوقش نقض شده بود، تاسیس کردند.

تا زمان مرگ ضیاء در سال ۱۹۸۸، حتی با وجود این که گروه‌های زنان نتوانسته بودند قوانینی مانند احکام حدود را لغو کنند، آن‌ها موفق شده بودند به طور منظم مجازات‌های زنا را در دادگاه تجدیدنظر لغو کنند و مسائل زنان را در رأس و کانون گفتمان سیاسی ملی قرار دهند. در واقع پس از مرگ ضیاء، زمانی که انتخابات برگزار شد، همه احزاب سیاسی - حتی حزب

۳۷- همان منبع، ص ۶۲.

۳۸- Safia Bibi.

۳۹- عایشه خان، ص ۸۴.

۴۰- Asma Jahangir.

۴۱- Hina Jilani.

اسلامی (II) - در برنامه‌های خود به حقوق زنان اشاره کردند. جیلانی می‌گوید: «ما زنان را در دستور کار سیاسی پاکستان قرار دادیم.»<sup>۴۲</sup>

## موانع در وضعیت دموکراسی و دیکتاتوری

پس از پیروزی حزب لیبرال خلق پاکستان در انتخابات ۱۹۸۸، نخست وزیر بی نظیر بوتو<sup>۴۳</sup> تبدیل به اولین رهبر زن در یک کشور با اکثریت مسلمان شد که به صورت مردمی و دموکراتیک انتخاب می‌شد. با این حال، امید فعالان حقوق زنان برای تغییرات اساسی خیلی زود از بین رفت. سیاستمداران لیبرال، که به خوبی از قدرت فزاینده راست مذهبی آگاه بودند، تقریباً هیچ تلاشی برای لغو هیچ یک از قوانین تبعیض‌آمیز ضیا نکردند. فقط چند قدم کوچک و امیدوارکننده برداشته شد؛ مانند ایجاد اولین بانک زنان در سال ۱۹۸۹ برای ارائه اعتبار به زنان و تصویب کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)<sup>۴۴</sup> در سال ۱۹۹۶.

با این حال، در طول دهه ۱۹۹۰، واضح بود که تعهدات CEDAW فقط روی کاغذ باقی می‌ماند. قتل‌های ناموسی افزایش یافت و عوامل آن به طور معمول از حمایت اجتماعی و دولتی برخوردار شدند و از مجازات فرار کردند. اسیدپاشی، ازدواج‌های اجباری و مبادله دختران به منظور حل و فصل اختلافات قبیله‌ای ادامه یافت. افراط‌گرایان راست‌گرا، فعالانی مانند جهانگیر را تهدید می‌کردند و مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و حتی با صدور احکام مذهبی (فتوا) برای ترور آن‌ها وعده پاداش می‌دادند.

پس از به قدرت رسیدن پرویز مشرف<sup>۴۵</sup> در کودتای نظامی سال ۱۹۹۹، رشد افراط‌گرایی مذهبی تشدید شد. مشرف در حالی که وعده «میانه‌روی روشن‌گرانه» را داد، ظهور احزاب مذهبی جریان راست افراطی را تسهیل کرد تا «تهدید افراط‌گرایی اسلامی، چنگ و دندان به غرب

۴۲- همان منبع ص ۱۱۳.

۴۳- Benazir Bhutto.

۴۴- The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).

۴۵- Pervez Musharraf.

نشان دهد و ایالات متحده ببیند که تنها جایگزین حکومت نظامی، حکومت ملامها است.»<sup>۴۶</sup>

در سال ۲۰۰۲، ائتلافی از احزاب مذهبی افراطی به نام «مجلس‌الامل» (MMA)<sup>۴۷</sup> در انتخابات پیروز شد و تقریباً کنترل کامل شمال غرب کشور را به دست گرفت؛ با خط مشی‌ای که «نوید یک نظم جدید جهانی برای مقاومت در برابر توطئه جهانی علیه مسلمانان را می‌داد».<sup>۴۸</sup> در شمال غرب، تفکیک جنسیتی به سرعت در زمینه آموزش و مراقبت‌های بهداشتی اعمال شد و یک کمپین عمومی تنظیم خانواده را به عنوان ابزاری برای محدود کردن جمعیت مسلمانان جهان محکوم کرد. اجرای رقص، موسیقی و سایر هنرهای عمومی زنان ممنوع و تنها مرکز بحران زنان استان نیز تعطیل شد.

دادگاه عالی و شورای ملی سعی کردند اقدامات مجلس‌الامل را کنترل و متعادل کنند، اما خیلی زود مشخص شد که هیچ نیروی دولتی نمی‌تواند جلوی طالبانی شدن پاکستان را بگیرد. زمانی که مشرف در سال ۲۰۰۸ از قدرت کناره گرفت، طالبان پاکستانی کنترل بسیاری از مناطق شمال غربی افغانستان - از جمله دره «سوات»<sup>۴۹</sup> که ملاله یوسف‌زی در آن زندگی می‌کرد - را به دست گرفته بود. در آن زمان، او فقط یک دختر ۱۱ ساله عاشق مدرسه بود که گاهی در رویدادهای محلی همراه با پدرش صحبت می‌کرد. پدر ملاله یک کنشگر در زمینه آموزش و مدیر مدرسه‌ای بود که او در آن تحصیل می‌کرد. آن زمان کسی نمی‌دانست که فقط در عرض چند سال آینده، تمام جهان نام ملاله را خواهد شنید.

۴۶- همان منبع، ص ۱۷۳.

۴۷- MMA) Muttaahida Majlis-e-Amal.

۴۸- همان منبع، ص ۱۷۴.

۴۹- Swat.

## ملاله یوسف‌زی و صحبت از حق تحصیل برای دختران

در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی، حمایت دولت پاکستان، کشورهای خلیج فارس و سازمان اطلاعات ایالات متحده از جنگ مجاهدین علیه شوروی در افغانستان، مرز افغانستان و پاکستان را به پایگاهی برای شبه‌نظامیان تبدیل کرده بود. نفوذ اسلام وهابی از طریق مهاجرت پاکستانی‌ها به خلیج فارس، که با کمک مالی عربستان به مدارس مذهبی پاکستان تقویت شده بود، به شعله‌فزاینده اسلامگرایان افراطی در شمال غرب پاکستان دامن زد. در سال ۲۰۰۷، چهل گروه از بنیادگرایان، زیر چتر سازمان «تحریک طالبان پاکستان» (TTP)<sup>۵۰</sup> متحد شدند تا نیروهای غربی را از افغانستان بیرون و قوانین شریعت را در پاکستان اجرا کنند.

در آن سال، طالبان پاکستانی بی‌نظیر بوتو را ترور کردند و کنترل سوات را به دست گرفتند و حکومت وحشت و درگیری‌های نظامی را آغاز کردند که به آواره‌شدن صدها هزار تن منجر شد. شبه‌نظامیان، رهبران قبایل، ارتش و پلیس را کشتند، مردان محلی را به اجبار به خود ملحق کردند یا برای عبرت عموم اعدام کردند، دختران را مجبور به ازدواج کردند و زنان را از کار یا بیرون‌رفتن در انتظار عمومی بدون عضو مرد خانواده منع کردند و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی از جمله واکسیناسیون فلج اطفال و پیشگیری از بارداری را مسدود ساختند. با این حال در سرتاسر کشور، سیاستمداران در محکوم‌کردن این سرکوب تردید داشتند؛ از ترس این‌که به همدستی با غرب متهم شوند.

سازمان تحریک طالبان پاکستان، آموزش - به ویژه مدارس دخترانه - را نیز هدف قرار داد. تا پایان سال ۲۰۰۸، حدود ۴۰۰ مدرسه منفجر و تعداد بیش‌تری نیز تعطیل شدند. در این مرحله، سازمان تحریک طالبان پاکستان اعلام کرد که از ماه آینده، دختران نباید به مدرسه بروند. کلاس ۲۷ نفره ملاله یوسف‌زی در مدت کوتاهی به فقط ده دختر کاهش یافت. با این حال، ملاله مصمم به ادامه تحصیل بود. او می‌گوید: «ما معتقد بودیم که مدرسه دوباره شروع خواهد شد. طالبان می‌توانستند قلم‌ها و کتاب‌های ما را بگیرند اما نمی‌توانستند ذهن ما را از فکرکردن باز دارند.»<sup>۵۱</sup>

۵۰- Tehreek-e-Taliban Pakistan

۵۱- یوسف‌زی، ملاله و کریستینا لمب. «من ملاله هستم: داستان دختری که برای حق تحصیل ایستادگی کرد و توسط طالبان به اوشلیک شد.» ویدنفلد و نیکلسون، ۲۰۱۳.



ملاله یوسف‌زی به دلیل فعالیت برای احقاق حقوق زنان، هدف شلیک طالبان قرار گرفت. (منبع)

چندی بعد، خبرنگار اردو زبان بی‌بی‌سی از پدر ملاله پرسید که آیا دختری را می‌شناسد که بتواند خاطرات روزانه زندگی خود تحت حکومت طالبان را بنویسد؟ ملاله که قبلاً چند مصاحبه تلویزیونی محلی انجام داده بود، داوطلب شد و خیلی زود رسانه‌های ملی و حتی بین‌المللی شروع به بازنشر سخنان او کردند. در همین زمان، نیویورک تایمز مستندی را با حضور ملاله و خانواده‌اش فیلمبرداری کرد که توجه جهانی را به وضعیت اسفناک ساکنان سوات جلب کرد.

طی سال‌های بعد، ملاله تحصیلات و همچنین اعتراضات خود را ادامه داد. او می‌گفت: «طالبان چگونه جرئت می‌کنند که حق اساسی من برای تحصیل را از من بگیرند؟»<sup>۵۲</sup> این فعالیت‌ها منجر به این شد که او بیش‌تر و بیش‌تر به رسمیت شناخته شود و نیز جوایز، مصاحبه‌های رسانه‌ای و ملاقات‌هایی با سیاستمداران را برای او به دنبال داشت. از طرف

دیگر هم دریافت پیام‌های تهدید به مرگ آغاز شد. در سال ۲۰۰۹ ارتش پاکستان کنترل سوات را دوباره به دست گرفت، اما طالبان به هدف قراردادن هر کسی که علیه‌شان صحبت می‌کرد، ادامه داد.

نهم اکتبر ۲۰۱۲، آن‌ها تهدیدهای خود را عملی کردند؛ افراد مسلح اتوبوس مدرسه ملاله را متوقف کردند و به سر ملاله و دو تن دیگر از همکلاسی‌هایش شلیک کردند. طالبان آشکارا اعلام کرد: «ما این حمله را انجام دادیم و هر کسی که علیه ما صحبت کند، به همین شکل مورد حمله قرار خواهد گرفت.»<sup>۵۳</sup> جهان با خشم به این حادثه پاسخ داد، اما از طرف دیگر با بالا رفتن جایگاه بین‌المللی ملاله، تئوری‌های توطئه و لفاظی‌های تدافعی در پاکستان نیز افزایش یافت. صحبت‌هایی با این مضمون که «این تقریباً غیرممکن بود که از ملاله حمایت کنیم ... بدون این‌که [حمایت ما]، عذرخواهی برای جنایات ایالات متحده یا اسلام‌هراسی به نظر بیاید».<sup>۵۴</sup>

پس از این‌که ملاله در بریتانیا مداوا شد و بهبودی یافت، او و خانواده‌اش در بیرمنگام اقامت گزیدند. او به حمایت از حق دختران برای تحصیل ادامه داد و در سال ۲۰۱۳ صندوق ملاله را برای تلاش در راستای این هدف تاسیس کرد. سال بعد، ملاله جایزه صلح نوبل را دریافت کرد و در ۱۷ سالگی به جوان‌ترین برنده جایزه نوبل تبدیل شد. او اعلام کرد:

«تروریست‌ها فکر می‌کردند که آرمان‌های من را تغییر خواهند داد و اهداف من را متوقف خواهند کرد، اما هیچ چیز در زندگی من تغییر نکرد جز این که ضعف، ترس و ناامیدی مرد. استقامت، قدرت و شجاعت متولد شد. ... من با کسی مخالف نیستم و این‌جا نیستم که درباره انتقام شخصی از طالبان یا هر گروه تروریستی دیگر صحبت کنم؛ من این‌جا هستم تا از حق تحصیل برای هر کودک صحبت کنم. من برای پسران و دختران طالبان و همه تروریست‌ها و افراط‌گرایان حق تحصیل می‌خواهم.»<sup>۵۵</sup>

۵۳- همان منبع.

۵۴- عایشه خان، ص ۲۱۲.

۵۵- میشل نیکولز، «ملاله پاکستان، هدف گلوله قرار گرفته توسط طالبان، درخواست آموزش را به سازمان ملل می‌برد». رویترز، ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۳.



## عدالت خواهی برای قربانیان تجاوز جنسی

در پس‌زمینه طالبانی‌شدن پاکستان، سرانجام پیشرفت اندکی در اصلاح احکام حدود حاصل شد. پس از دهه‌ها تقاضا برای تغییر از سوی فعالان حقوق زنان، شرایط برای وادارکردن دولت به انجام اقدامات موثر مهیا شد. در دهه ۲۰۰۰، بازماندگان تجاوز شروع به صحبت‌های آشکار، مصاحبه با رسانه‌ها و رهبری اعتراض‌ها کردند و با سرسختی پرونده‌های خود در سیستم قضایی را پیش بردند.

مختار مایی<sup>۵۶</sup> زمانی در سراسر جهان شناخته شد که پس از این‌که در سال ۲۰۰۲ مورد تجاوز گروهی قرار گرفت، دست از عدالت‌خواهی برنداشت. ماجرا این بود که شورای قبیله‌ای محلی (جرگه) دهکده محل سکونت مختار در جنوب پنجاب، این تجاوز گروهی را به عنوان «مجازات» برای او در نظر گرفته بود، به دلیل این‌که برادر ۱۲ ساله‌اش با زنی از طبقه بالاتر دیده شده بود. انتظار می‌رفت که زنی در موقعیت مایی دست به خودکشی بزند، اما در عوض، او هفته بعد این تجاوز را به پلیس گزارش داد. پوشش رسانه‌های محلی توجه شماری از فعالان را جلب کرد که با سازمان‌دهی تجمعات و کسب وکالت قانونی، از مایی حمایت کردند. رسیدگی به این پرونده سال‌ها به طول انجامید، و طی آن مایی مدارسی را در روستای خود تاسیس کرد و از ترک خانه خود امتناع کرد و گفت: «من خواهم ماند و برای حقوق زنان و مردان روستای خود مبارزه خواهم کرد و به اداره مدرسه خود ادامه خواهم داد تا نور آموزش گسترش یابد.»<sup>۵۷</sup>

پس از محکومیت شش نفر از متهمان به اعدام و تبرئه هشت نفر دیگر، این حکم لغو شد؛ دولت درخواست تجدیدنظر کرد و سرانجام در سال ۲۰۱۱ - تقریباً یک دهه پس از جنایت - دیوان عالی کشور ۱۳ نفر از متهمان را تبرئه کرد و حکم چهاردهمین مرد نیز به حبس ابد تغییر یافت. این پرونده یادآور وجود نابرابری در سیستم حقوقی پاکستان بود که از انجام تحقیقات یا اجرای به موقع عدالت - حتی با وجود رسیدگی سریع به سایر مسائل - باز می‌ماند، قربانیان جنایت را زیر بار اثبات ادعای غیرواقعی قرار می‌دهد و در برابر نفوذ پشت

برده افراد قدرتمند، مانند قبیله‌ای که حقوق مایی را نقض کرده بود، آسیب‌پذیر است.

به همین ترتیب، پرونده تجاوز جنسی به شازیبه خالد<sup>۵۸</sup> در سال ۲۰۰۵، موانع بزرگی که قربانیان با آن روبرو بودند را نشان داد؛ زیرا دولت خالد و همسرش را مجبور به خروج از کشور کرد تا او را از پیگیری عدالت باز دارد. علاوه بر این، مشرف در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست در همان سال ادعا کرد که تجاوز جنسی «به یک قضیه پول‌ساز تبدیل شده است. بسیاری از مردم می‌گویند اگر می‌خواهید به خارج از کشور بروید و ویزای کانادا یا شهروندی بگیرید و میلیونر شوید، اجازه دهید به شما تجاوز کنند.»<sup>۵۹</sup> خشم عمومی متعاقب این سخنان، مشرف را بر آن داشت که گفتن چنین سخنی را انکار کند.<sup>۶۰</sup>

علی‌رغم فقدان عدالت در پرونده‌های مایی و خالد، این زنان شجاع الگو شدند. این توجه بین‌المللی که آن‌ها به بی‌عدالتی جلب کردند، دولت پاکستان را شرمسار کرد و باعث تلاش‌هایی برای ترمیم وجهه کشور شد. بالاخره زمان اصلاح احکام حدود، اگرچه به شکل محدود، فرا رسید.

سال ۲۰۰۶، قانون حمایت از زنان، قوانین زنا را اصلاح کرد تا به جای اجرای احکام حدود، تجاوز به عنف را بر اساس قانون جزایی پاکستان جرم تلقی کند. به این ترتیب، اگر قربانیان نتوانند ثابت کنند که به آن‌ها تجاوز جنسی شده است، دیگر به صرف گزارش دادن تجاوز جنسی در معرض اتهام زنا قرار نمی‌گیرند. علاوه بر این، اتهام زنا دیگر نمی‌تواند حداکثر مجازات (حدود) در شرع اسلام را به دنبال داشته باشد. این قانون همچنین به اتهامات کذب در این زمینه پرداخت و مقرر کرد که عدم رعایت ضوابط ادله و شواهد در اتهام زنا، مجازات به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، اتهام کذب مرد در مورد زنا همسرش می‌تواند حق تقاضای طلاق را برای زن ایجاد کند. در نهایت، یک بند جدید به طور ضمنی، تجاوز جنسی زناشویی (تجاوز به همسر)<sup>۶۱</sup> را به عنوان یک جرم به رسمیت شناخت. همچنین این

۵۸- Shazia Khalid.

۵۹- گلن کسلر و دافنا لینزر. «مشرف: هیچ چالشی از سوی بوش در براندازی نیست»، واشنگتن پست، ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۵.

۶۰- گلن کسلر. «مشرف اظهارات مربوط به تجاوز را تکذیب کرد»، واشنگتن پست، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵.

۶۱- Marital Rape.

قانون ازدواج دختران زیر ۱۶ سال را نیز تجاوز اعلام کرد.<sup>۶۲</sup>

از آن زمان به بعد پیشرفت‌های قانونی بیش‌تری برای افزایش حمایت از حقوق زنان انجام شده است. در سال ۲۰۲۰، اصلاحیه‌ای در قانون شرکت‌ها، روند افتتاح یک کسب‌وکار را برای مردان و زنان یکسان کرد. پیش از آن زنان هنگام تاسیس تجارت‌شان، ملزم به ارائه اطلاعات پدر یا شوهر خود بودند.<sup>۶۳</sup> در ژانویه ۲۰۲۲، لایحه محافظت [از زنان] در برابر آزار جنسی زنان در محل کار<sup>۶۴</sup>، تعریف آزار و اذیت را گسترش داد تا هر گونه تبعیض مبتنی بر جنسیت را پوشش دهد، همچنین حوزه محافظت را تا دانش‌آموزان و کارگران خانگی گسترش داد و روند شکایت را ساده کرد.<sup>۶۵</sup> اگرچه هنوز راه درازی برای دستیابی به برابری کامل جنسیتی در سیاست و عمل وجود دارد، زنانی مانند ملاله یوسف‌زی و مختار مایی نشان می‌دهند که وقتی زنان خواستار تغییر هستند، پیشرفت امکان‌پذیر است.

۶۲- عایشه خان، ص ۲۲۹.

۶۳- همل، ایوا و همکاران. «اصلاحات قانونی در پاکستان». ابتکار مالی زنان کارآفرین، ۲۰۲۱.

۶۴- Protection Against Harassment of Women at the Workplace Bill.

۶۵- ایجاز، ساروپ. «هدف قانون جدید پاکستان، حمایت از زنان در محل کار». دیده‌بان حقوق بشر، ۲ ژانویه ۲۰۲۲.





Activists of the Aurat March mark International Women’s Day in Islamabad on March 8, 2021(photo)

## **Gender inequality and challenges for advocacy in Pakistan**

Since Pakistan was founded in 1947, the country’s women and girls have faced unequal access to education, forced marriage, gender-based violence such as honor killings, and cultural norms enforcing the idea that a woman’s place is in the home. Despite legal provisions and international commitments that theoretically uphold gender equality, Pakistani women are confronted with myriad obstacles in pursuing justice through the law. This, however, has not stopped women from organizing to demand their rights.

After Pakistani laws were Islamized in the 1980s, thousands of women were imprisoned for sexual transgressions, including having been raped. In response, women across the country mobilized to challenge court sentences, raise awareness, and put women's rights at the top of Pakistan's political agenda. The struggle became particularly acute as religious extremism rose in the 2000s; when the Taliban seized control over the country's northwest, Malala Yousafzai became internationally known for her refusal to back down from demanding her right to education – even after being shot. While the fight for full equality continues, the progress that has been made so far is a testament to Pakistani women's courage and tenacity.

### **Pakistan's early years: 1947-77**

When India won its independence from Great Britain in 1947, the land was partitioned into two independent countries based on the religious majorities in those areas: India (majority Hindu) and Pakistan (majority Muslim, including modern-day Bangladesh, which later won its independence after the 1971 Bangladesh Liberation War).<sup>1</sup>

To counter prevailing cultural norms that segregated women from men across political, educational, and social spheres, Muhammad Ali Jinnah and Muhammad Iqbal, the founding fathers of Pakistan, supported women's equal participation in public life. In 1944, Jinnah declared, "It is a crime against humanity that our women are [confined] within the four walls of the houses as prisoners. There is no sanction anywhere for the deplorable conditions in which our women have to live. You should take your women along with you as

---

1- "[History of Pakistan](#)." High Commission for Pakistan London.

comrades in every sphere of life.”<sup>2</sup>

During this time, the nationalist campaign for independence gave women the space to break traditional norms; “they could cast off the veil, talk to strangers, enter politics, take out processions, shout slogans, hoist flags and face police brutality.”<sup>3</sup> As women claimed a stronger role in public life, Pakistan’s founders envisioned a non-theocratic, liberal democracy and saw women’s rights as perfectly congruent with Islamic principles. As such, when the country was founded, its laws made little distinction between men’s and women’s rights.<sup>4</sup>

Religious scholars (*ulema*), on the other hand, propagated a vision of a theocratic state wholly rooted in Islamic law in which women’s role in public life would be severely limited.<sup>5</sup> Along these lines, the slogan of the Jamaat-e-Islami (JI) Islamist organization, founded in 1941, was “The country is God’s; rule must be by God’s law; the government should be that of God’s pious men.”<sup>6</sup>

Despite women’s role in mobilizing for independence, once that goal was won, they “were pushed back into their homes on the pretext that women’s roles should be within the domestic realm.”<sup>7</sup> Nevertheless, while there was no coherent, organized women’s movement at this

---

2- Mumtaz, Khawar and Farida Shaheed (eds). *Women of Pakistan: Two Steps Forward, One Step Back?* The Bath Press, 1987. Pg. 7.

3- Saigol, Rubina. “Feminism and the Women’s Movement in Pakistan: Actors, Debates and Strategies.” Friedrich Ebert Stiftung, 2016. Pg. 8.

4- Weiss, Anita. “Moving Forward with the Legal Empowerment of Women in Pakistan.” United States Institute of Peace Special Report 305, May 2021. Pg. 3.

5- Mumtaz and Shaheed pp 8-9.

6- Khan, Ayesha. *The Women’s Movement in Pakistan: Activism, Islam and Democracy.* I.B. Tauris, 2020. Pg. 21.

7- Khan, Leena Z. “Women’s Action Forum (WAF) – Women’s Activism and Politics in Pakistan.” Institute of Current World Affairs (ICWA) Letters – South Asia, 2001. Pg. 4

time, women still engaged in relief and welfare work, particularly for refugees.<sup>8</sup> In addition to opening girls' schools and helping women generate income by learning sewing and other skills, the All-Pakistan Women's Association (APWA) promoted women's political rights, while being careful not to take a confrontational approach to the state.<sup>9</sup> After widespread demonstrations, the 1948 Muslim Personal Law of Shariat recognized women's right to inherit property.<sup>10</sup>

Over the next decade, Pakistan became party to the Convention on the Political Rights of Women and the UN Convention on the Consent to Marriage, which prompted passage of a 1961 law that put in place modest limits on polygamy and safeguards for women around divorce.<sup>11</sup>

In 1973, Pakistan's constitution codified citizens' equality under the law and prohibited discrimination on the basis of sex. However, reflecting the growing influence of Islamist initiatives such as the JI, the constitution also declared Islam the state religion, required candidates for president and prime minister to be Muslim, and mandated that all laws conform to the Qur'an and sunnah. According to the lawyer and activist Hina Jilani, "All the state could think of to keep themselves a step ahead of the JI and other retrograde Islamic forces was that they had to be more Islamic to overcome them. Women started suffering at this point onwards."<sup>12</sup>

---

8- Saigol pg. 9

9- Ibid. pg. 10.

10- Ibid. pg. 8.

11- Weiss pg. 4.

12- Ayesha Khan pg. 23.





In 1973, Pakistan's constitution forbade discrimination on the basis of Gender ([Source](#))

### **Islamization under Zia's military dictatorship**

This trend would culminate with an intensive push for Islamization after General Muhammad Zia-ul-Haq seized power in a 1977 coup and allied himself with the JJ. According to women's rights activists, "Having assumed power without authority, the army was looking for a means to justify itself and prolong its rule, and it found the perfect excuse in Islam."<sup>13</sup>

Over his 11-year dictatorship, Zia made sweeping legal, political, and social changes influenced by the hardline Wahhabi school of Islam.

---

13- Mumtaz and Shaheed pg. 16.

A new state-run *zakat* fund required Muslims to pay a percentage of their income as a donation for the poor (a religious requirement normally fulfilled on an individual basis without a state mandate), and all Pakistanis, including non-Muslims, were forbidden to drink alcohol, with the police conducting home raids to enforce this (often as a means of harassing regime opponents).<sup>14</sup>

Meanwhile, Zia's military dictatorship dissolved and banned all political parties, enacted full press censorship, revoked workers' right to strike, and began mass arrests of political party workers and journalists, along with floggings for those who engaged in banned political activity.<sup>15</sup>

Control over women, who were seen as "markers of national morality," was a key element of this Islamization program.<sup>16</sup> A government campaign against obscenity limited women's appearance in TV advertisements; women were banned from participating in spectator sports; and they were required to wear *chadors* in government offices, on TV, and in public schools. A media campaign encouraged vigilante enforcement of conservative dress codes for women, resulting in increased public harassment and even violence towards women.<sup>17</sup> Meanwhile, a new legal architecture of Islamization was raised, including the 1979 Hudood Ordinances, the 1984 Law of Evidence (which prescribed that women's testimony was worth half that of men's in certain matters), and the Qisas and Diyat Ordinances. These laws would have far-reaching consequences for women over the next three decades.

---

14- Ayesha Khan pg. 56.

15- Ibid. pg. 58.

16- Ibid. pg. 129.

17- Ibid. pp. 58-9.

The Hudood Ordinances prescribed punishments based on the Qur'an and sunnah for offenses including *zina*: sexual transgressions including adultery, fornication, and rape. Sex outside legal marriage was now a criminal offense. In the case of adultery, the maximum punishment (singular *hadd*, plural *hudood*) was public stoning to death (if the offense was witnessed by four Muslim men of good standing), with discretionary punishment (*tazir*) being four to ten years' imprisonment, 30 lashes, and a fine. For simple sex outside marriage, punishment ranged from 30 to 100 lashes. This was also true for rape, which was treated as equivalent to consensual sex outside marriage. In fact, if a woman reported being raped but could not prove it, then the report itself would serve as a confession to *zina* and she could then be charged with that crime. Moreover, anyone, including an angry husband or brother, could accuse a woman of *zina*, and that woman would then be arrested and imprisoned – potentially for years since the offense was non-bailable – until she was able to prove her innocence in court. By the time that finally took place, often on federal appeal after a lower-level conviction, these women had spent many years in jail and had become complete social outcasts.<sup>18</sup> Thousands of women were arrested for *zina*, which was the most common reason for women's incarceration through the 2000s.<sup>19</sup>

The Qisas and Diyat Ordinances essentially privatized punishment for manslaughter, leaving victims and/or their families to define justice in lieu of the state. For instance, the heirs of a murder victim could accept blood money (*diyat*) or retribution (*qisas*, such as eye-for-an-eye punishment). The ordinances' provisions enabled wealthy offenders to buy their way out of justice; perpetrators of “honor” killings to settle out of court; and men who murdered their

---

18- Lau, Martin. “Twenty-Five Years of Hudood Ordinances – A Review.” Washington and Lee Law Review 64:4, 2007. Pg. 1,296.

19- Ayesha Khan pp. 62-3.



General Muhammad Zia ul Haq addresses the Pakistani nation, on June 15, 1988, two months before he was killed in a plane crash. ([Source](#))

### **Women's mobilization during the Zia regime**

In 1981, the *zina* case of Fehmida and Allah Bux inspired a group of about 30 Pakistani women – feminists, journalists, leftist political activists, and APWA members – to found the Women's Action Forum (WAF). Unlike previous women's organizations like APWA, which had been welfare-oriented and pro-establishment, WAF took an unabashedly political approach that not only directly challenged the government but also supported a secular state.<sup>21</sup>

In 1980, the 18-year-old Fehmida, from a lower-middle-class family, had fallen in love with her school bus driver, Allah Bux, and had

---

20- Ibid. pg. 71.

21- Ibid. pg. 77.

run away from home to marry him of her own volition. Her angry parents filed a kidnapping police report in order to attempt to force her to return home. Under the Hudood Ordinances, the marriage was found to be invalid based on a technicality (the marriage contract was valid but had not been registered), which meant that the couple was now “living in sin.” As such, in 1981, Fehmida was sentenced to 100 lashes, while her husband was sentenced to death by stoning.<sup>22</sup>

As one of WAF’s co-founders, Anis Haroon, said, “The state wanted to send a message and made an example of this couple of what may happen if a woman, and man in this case, chooses to marry someone of her own choice.”<sup>23</sup>

This case was a wakeup call for many middle- and upper-class women; as incremental progress on women’s rights had been achieved under previous regimes, these women had grown to believe that continued improvements were inevitable. They now realized that all their rights were in jeopardy and that they needed to take action. WAF launched a signature campaign calling for legal protections for women and the lifting of discriminatory provisions; with pioneering women’s rights activist Ra’ana Liaquat Ali Khan’s name at the top of the list, WAF gained legitimacy that helped them collect a total of 10,000 signatures.<sup>24</sup>

---

22- Leena Khan pg. 6.

23- Ibid.

24- Burki, Shireen. *The Politics of State Intervention: Gender Politics in Pakistan, Afghanistan, and Iran*. Lexington Books, 2013. Pg. 60.



Women's rights demonstration in Lahore, Feb 12, 1983 (Photo)

WAF lobbied decision makers, wrote articles for the press, and held seminars with experts to discuss discriminatory laws and debate whether they were truly Islamic. In 1983, WAF organized a march of 300 women in Lahore to protest the Law of Evidence; in response, almost twice as many police officers beat, tear-gassed, and arrested the activists, eliciting wide media coverage that embarrassed the regime. These actions raised awareness of inequality and sparked public debate on these issues. More than that, WAF supported women in fighting rulings under the Hudood Ordinances via the federal appeals process.

Since almost all the women sentenced under the Hudood Ordinances lacked the financial means to challenge their sentences on their own, this aid was invaluable.<sup>25</sup> In one prominent case, the 18-year-old, nearly blind Safia Bibi was raped by her employer and his son. After she gave birth to a baby that soon died, her father filed a rape case, not realizing that her pregnancy would open her up to a *zina* charge; in 1985, she was sentenced to 15 lashes, three years in prison, and a fine. WAF worked with other women's groups to file a legal appeal and attract international attention by inviting global women's groups to lobby for Safia, who was ultimately acquitted by the Federal Shariat Court.

Meanwhile, other women's groups took action. The Tehreek-e-Niswan organization used the arts in order to reach a wider audience, staging small public plays or dance performances followed by discussions between the actors and audiences on women's issues.<sup>26</sup> The attorneys founded Pakistan's first all-female law firm, AGHS, in order to provide free legal aid to women, religious minorities, and anyone whose human rights were violated.

By the time Zia died in 1988, even though women's groups had not been able to repeal laws like the Hudood Ordinances, they had succeeded in regularly overturning *zina* punishments upon appeal and had put women's issues front-and-center within the national political discourse. In fact, when elections took place after Zia's death, every political party, even the JI, mentioned women's rights in their platforms. According to Jilani, "We put women on the political agenda in Pakistan."<sup>27</sup>

---

25- Burki pg. 61.

26- Ayesha Khan pg. 84.

27- Ibid. pg. 113.

## Setbacks under democracy and dictatorship

After the liberal Pakistan People's Party won the 1988 election, Prime Minister Benazir Bhutto became the first democratically-elected female leader of a Muslim-majority country. However, women's rights activists' hopes for major change were soon dashed. Well aware of the religious right's ongoing power, liberal politicians did not even make an effort to repeal any of Zia's discriminatory laws. A few small, promising steps were taken, such as the 1989 creation of a First Women's Bank to provide credit to women and the 1996 ratification of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).

However, throughout the 1990s, it was clear that the CEDAW commitments would remain on paper only. Honor killings increased, with the perpetrators routinely receiving social and state support and escaping punishment. Acid attacks, forced marriages, and exchanges of girls in order to settle tribal disputes continued. Right-wing extremists threatened and harassed activists such as Jahangir, even issuing religious edicts (*fatwas*) offering rewards for their assassination.

The rise of religious extremism would only intensify after Pervez Musharraf came to power in a 1999 military coup. While Musharraf promised "enlightened moderation," he also facilitated the rise of far-right religious parties "to brandish to the West the threat of Islamic extremism and to show the United States that the only alternative to military rule is the rule of the mullahs."<sup>28</sup>

In 2002, a coalition of extremist religious parties, the Muttahida Majlis-e-Amal (MMA), won elections and took almost total control of the country's northwest on a platform that "promised a new world

---

28- Ibid. pg. 173.



order to resist the worldwide conspiracy against Muslims.”<sup>29</sup> In the northwest, gender segregation was swiftly enforced in education and healthcare, and a public campaign decried family planning as a tool to limit the world’s Muslim population. Female dance, music, and other public arts performances were banned, and the province’s only women’s crisis center was shut down.

The Supreme Court and National Assembly acted as checks and balances on the MMA’s efforts, but it soon became clear that no government forces could hold back Pakistan’s Talibanization. By the time Musharraf stepped down in 2008, the Pakistani Taliban had taken control over much of Afghanistan’s northwest – including the Swat valley where Malala Yousafzai lived. At that time, she was just an 11-year-old girl who loved school and who sometimes spoke at local events with her father, an education activist who ran the school she attended. Within just a few years, however, the whole world would know her name.

### **Malala Yousafzai: Speaking out for girls’ right to education**

Through the 1980s, support from the Pakistani government, the Persian Gulf states, and US intelligence for the *mujahideen’s* fight against the Soviets in Afghanistan had turned the Afghan-Pakistan border into a base for militants. The influence of Wahhabi Islam via Pakistani migration to the Gulf, strengthened by Saudi funding to Pakistani *madrasas* (religious schools), fueled increasingly extremist forms of Islam in Pakistan’s northwest. In 2007, 40 fundamentalist groups united under the umbrella Tehreek-e-Taliban Pakistan (TTP) organization, aiming to expel Western forces from Afghanistan and

---

29- Ibid. pg. 174.

impose *sharia* law in Pakistan.

That year, the Pakistani Taliban assassinated Benazir Bhutto and seized control over Swat, launching a reign of terror as well as a military conflict that displaced hundreds of thousands. The militants killed tribal leaders, military, and police; forced local men to join them or executed them as public examples; forced girls into marriage and banned women from working or going out in public without a male family member; and blocked access to healthcare including polio vaccinations and birth control. Across the country, however, politicians were hesitant to condemn this repression for fear of appearing to be in league with the West.

TTP also targeted education, particularly girls' schools. By the end of 2008, about 400 schools had been blown up, and still more had been shut down. At this point, TTP declared that starting the next month, girls must not go to school. The 27 girls in Malala Yousafzai's class swiftly dwindled to a group of just ten. However, Malala remained resolute: "We believed school would start again. The Taliban could take our pens and books, but they couldn't stop our minds from thinking."<sup>30</sup>

---

30- Yousafzai, Malala with Christina Lamb. *I Am Malala: The Story of the Girl Who Stood Up for Education and was Shot by the Taliban*. Weidenfeld & Nicolson, 2013.



Malala Yousafzai, targeted by Taliban for activism for women's rights (photo)

Not long afterwards, a BBC Urdu correspondent asked Malala's father if he knew of a girl who could write a diary about life under the Taliban. Malala, who had already done some local TV interviews, volunteered, and soon national and even international media outlets began republishing her words. Meanwhile, the New York Times filmed a documentary featuring Malala and her family, drawing more global attention to the plight of those living in Swat.

Over the next several years, Malala continued her education and also continued to speak out: "How dare the Taliban take away my basic right to education?"<sup>31</sup> As she did so, she received more and more recognition: prizes, media interviews, meetings with politicians. She also began to receive death threats. The Pakistani military had

---

31- Ibid.

regained control over Swat in 2009, but the Taliban continued to target anyone who spoke out against them.

On October 9, 2012, they made good on their threats; gunmen stopped Malala's school bus and shot her in the head, along with two of her schoolmates. The Taliban openly declared, "We carried out this attack, and anybody who speaks against us will be attacked in the same way."<sup>32</sup> The world responded with outrage, but as her international stature grew, so too did conspiracy theories and defensive rhetoric in Pakistan, where "it was almost impossible to express support for Malala...without seeming an apologist for US atrocities or Islamophobia."<sup>33</sup>

After recovering from her injuries in the UK, Malala and her family remained in Birmingham. She has continued her advocacy for girls' right to education, co-founding the Malala Fund in 2013 to work towards this goal. The following year, Malala received the Nobel Peace Prize, becoming the youngest Nobel laureate ever at the age of 17. She declared:

The terrorists thought they would change my aims and stop my ambitions, but nothing changed in my life except this: weakness, fear and hopelessness died. Strength, power and courage was born ... I am not against anyone, neither am I here to speak in terms of personal revenge against the Taliban or any other terrorist group. I'm here to speak up for the right of education for every child. I want education for the sons and daughters of the Taliban and all terrorists and extremists.<sup>34</sup>

---

32- Ibid.

33- Ayesha Khan pg. 212.

34- Nichols, Michelle. "[Pakistan's Malala, shot by Taliban, takes education plea to U.N.](#)" Reuters, 12 July 2013.

## **Demanding justice for rape survivors**

Against the backdrop of Pakistan's Talibanization, limited progress was finally made on reforming the Hudood Ordinances. After decades of demands for change from women's rights activists, circumstances aligned to push the government to take action. In the 2000s, rape survivors began speaking out openly, giving media interviews, leading protests, and tenaciously pushing their cases through the justice system.

Mukhtar Mai became known around the world when she refused to give up seeking justice after being gang-raped in 2002. The local tribal council (*jirga*) in her southern Punjab village had sentenced her to this punishment in retaliation for her 12-year-old brother's alleged sighting alone with a woman from a higher caste. Women in Mai's position were expected to commit suicide – but instead, she made a police report the next week. Local media coverage drew attention from activists who supported Mai in organizing rallies and obtaining legal representation. The case dragged on for years, during which Mai founded schools in her village and refused to leave her home, saying, “I will stay and fight for the rights of the women and men of my village and will continue to run my school to spread the light of education.”<sup>35</sup>

After six of the accused were sentenced to death and eight others were acquitted, that sentence was overturned; the government appealed, and finally, in 2011 – almost a decade after the crime – the Supreme Court acquitted 13 of the accused men, commuting the 14<sup>th</sup> man's sentence to life imprisonment. The case was a crushing reminder of the inequity in the Pakistani legal system, which fails to conduct investigations or dispense justice in a timely manner, even as it swiftly deals with other issues; subjects survivors to an

unrealistic burden of proof; and is vulnerable to behind-the-scenes influence from powerful individuals such as the tribe that violated Mai's rights.

Likewise, Shazia Khalid's 2005 rape case demonstrated the monumental obstacles facing survivors, as the government forced Khalid and her husband out of the country to keep her from pursuing justice. Moreover, in a Washington Post interview that same year, Musharraf claimed that rape "has become a moneymaking concern. A lot of people say if you want to go abroad and get a visa for Canada or citizenship and be a millionaire, get yourself raped."<sup>36</sup> The ensuing outrage led Musharraf to deny he had ever said such a thing.<sup>37</sup>

Despite the lack of justice in Mai and Khalid's cases, these courageous women became role models. The international spotlight they shone on injustice embarrassed Pakistan's government into attempting to repair the country's image. The time had finally come for the Hudood Ordinances to be reformed, even if in a limited fashion.

In 2006, the Women's Protection Act amended the *zina* laws to make rape an offense under Pakistan's Penal Code rather than the Hudood Ordinances; as such, rape reports can no longer expose victims to a charge of *zina* if they are unable to prove they were raped. Additionally, *zina* can no longer be punished by the maximum penalties (*hudood*) under Islamic law. The Act also addressed false accusations, mandating that failing to fulfill the evidentiary requirements for *zina* accusations would lead to punishment; additionally, a husband's false *zina* accusation were now grounds for a woman to seek divorce. Finally, a new clause implicitly recognized

---

36- Kessler, Glenn and Dafna Linzer. "Musharraf: No Challenge from Bush on Reversal." The Washington Post, 13 Sept. 2005.

37- Kessler, Glenn. "Musharraf Denies Rape Comments." The Washington Post, 19 Sept. 2005.

marital rape as a crime, and the Act also mandated that marriage of girls under 16 be considered rape.<sup>38</sup>

More incremental legal improvements have since been made to increase protection of women's rights. In 2020, an amendment to the Companies Act made the process of opening a business the same for men and women, who previously were required to provide their father or husband's information when incorporating their own business.<sup>39</sup> In January 2022, the Protection Against Harassment of Women at the Workplace Bill expanded the definition of harassment to cover any gender-based discrimination, extended protections to students and domestic workers, and streamlined the complaint process.<sup>40</sup> Although there is still a long road ahead to achieve full gender equality in both policy and practice, women like Malala Yousafzai and Mukhtar Mai show that when women demand change, progress is possible.

---

38- Ayesha Khan pg. 229.

39- Hamel, Iva et al. "[Legal Reform in Pakistan.](#)" *Women Entrepreneurs Finance Initiative*, 2021.

40- Ijaz, Saroop. "[Pakistan's New Law Aims to Protect Women in Workplace.](#)" Human Rights Watch, 20 Jan. 2022.